



۲۰۱۹/۰۵/۲۱



س. ح. روغ

## به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟

گفتار نهم

کی گفت که «خیال پلو» یک گفت افغانی نبود!؟



بیست روز از لویه جرگه مشورتی صلح گذشته است؛ و دو روز بعد اول جوزا است؛ اگر که با تأخیر بسیار، اما بالاخره نمایندگان مردم افغانستان مصمم شدند که راه خود را از جنگسالاران جدا کنند؛ در طی این سه هفته همه تلاش ها برای به نمایش گذاشتن یک بی ثباتی سیاسی و نظامی در داخل کشور، و در پایتخت، سازمان داده شدند؛ بدون تردید همه چشم ها، و همه انتظارات، به انکشافات سیاسی چند روز آینده معطوف شده اند؛ آیا دولت افغانستان قادر و مستعد است که از آزمون دشوار کنونی موفقانه بگذرد؟

ظاهراً جبهه بندی ها تشدید شدند؛ و یک حادثه بیش از حد غریب سیاسی رخ داد که جز در مداری خانه افغانستان، در هیچ کجای دنیا نمی توانست رخ بدهد:

یازده مدعی انتخابات ریاست جمهوری، که قاعداً در میان خود باید رقابت داشته باشند، این ۱۱ نفر یک چیز بسیار نازدانه و دزدانه بنام «شورای کاندیدان ریاست جمهوری» جور کردند؛ و در اولین اعلامیه به مردم گفتند هوشک تان باشد که این یک شورای دزدانه نیست! اما این شورا تقاضا دارد که رییس جمهور برحال وقانونی افغانستان قدرت را واگذار کند!

و اگر رییس جمهور نمی داند که چی کند، باز ما خود ما می دانیم که چی کنیم!

چرا واگذار کند؟

نمی دانیم!

به کی واگذار کند؟

نمی دانیم!

شما خود تان کی هستید؟

نمی دانیم!

پس چی را می دانید؟

ما می دانیم که رییس جمهور قدرت را واگذار کند!!

کی به شما گفته که چنین شود؟

نمی‌گوییم!

طی سه هفته پس از لویه جرگه انکشافات سیاسی کشور بسیار شتاب گرفتند؛ چند سوالی که تا کنون ما مطرح نمی

کردیم، اینک پاسخ عاجل می‌طلبند:

چرا با بی‌ثباتی در پایتخت «بازی» می‌شود؟

کی نقشه دارد که غنی از قدرت عزل شود؟

این حقیقت دارد که پاکستان در این بازی دست دارد؛ اما این هم حقیقت دارد که تنها پاکستان یگانه بازیگر این صحنه نیست؛

جناب داکتر خلیل‌زاد دور ششم ماموریت خود را در دوحه به پایان رساند؛ اعلامیه پس از مذاکرات دور ششم گنگ بود و هیچ چیزی را وعده نداد؛ بی‌بی‌سی کوشش کرد یکی دو گزارش بدهد که فضای دور ششم خندان بود؛ و نتایج آن چندان بود؛ اما حقیقت این که کار برای نتایج مذاکرات دور ششم به آینده معوق شد؛

جناب خلیل‌زاد پس از مذاکرات دور ششم به کابل نیامد؛ بابه غرغری طالبان هم کدام برق و الماسک نو نکرد؛ یگانه کاری که شد این بود که پاکستان به معدن طلای خانشین تونل زده است؛ تا در زیر زمین، ایمن و درقراری از انتحاری کتی طلا افطار کند!!

کسی نیست به پاکستان بگوید که طلای ما را بگیرید، اما ملای خود را هم بگیرید؛ بررسی‌های متخصصین امریکایی هشدار داده‌اند که پاکستان طی ده سال آینده به جنگ کوچه به کوچه مالاها مبتلا خواهد شد؛ و پرویز مشرف مشهورترین آهنگ خود را بر بستر مرگ نواز شریف خواهد خواند که: «بهایی این کیا بلا خواهد شد؟»

بنظر می‌رسد که بُعد ژئواستراتژیک دست بالاتر یافته باشد؛ و معضل امریکا با ایران باعث شده باشد که عجله برای آوردن نتایج نو در افغانستان به آینده موکول شده باشد؛

یک فضای تنفس باز شده است؛

و در این فضای نو این نقشه که اول صلح بیاید تا بعد انتخابات شود، واگذار شده است؛ و طرز‌العمل معمول و ساده برتری یافته است؛ صلح اولویت دارد، اما انتخابات باید دایر شود؛

و بسیار مهم است که جناب خلیل‌زاد طی اعلامیه اخیر خود بر همین نتیجه‌گیری تأکید کرده است؛ خود خلیل‌زاد کابل نیامد؛ اما در عوض معاون وزارت خارجه امریکا خانم آلیس کابل آمد و طی صحبت با چند تن از کاندیدان انتخاباتی سیمای خشک و سرد و بدنهاد حقیقت را به پیش چشم شان نهاد؛

این درست است که مگس پخالک و بالک می‌زند؛ اما مگس بدانند که در گیلان است؛ و گیلان بدانند که لاس په لاس است!

طی ملاقات جناب پمپئو در ماسکو بر همکاری سه جانبه‌ای تأکید شد که برای حل معضل افغانستان رویدست گرفته شده است!

کنفرانس سوم بن نیز می‌تواند به یک انکشاف مهم در راه صلح مبدل شود؛ فرستاده آلمان برای بار دوم با طالبان در قطر دیدار کرد!

در کابل، مطابق به معمول، تشنجات ادامه یافتند؛ روز افتتاح شورای ملی با تشنج و تصادم همراه بود؛ بار دیگر تلاش شد که چاقوی کُند خصومت های قومی به میدان کشیده شود؛ اما دیگر معلوم است که این سروصدا ها، ضجه هایی هستند که از گلوی یک گذشتهٔ میرنده برون می زنند!

همین جریان شورای ملی نشان داد که زنان و جوانان هر چه نیرومند تر وارد میدان می شوند؛ و جامعهٔ مدنی افغانستان زیرتاثیر حضور فعال زنان و جوانان عمیقاً دگرگون می شود؛ جامعهٔ مدنی افغانستان به مهمترین تکیه گاه صلح و ثبات در وطن مبدل می شود؛ جامعهٔ مدنی افغانستان از صیییب «مصیبت شناسی!!!» به آسیب شناسی اوضاع کشور عبور می کند؛ و به عامل اصلی ختم جنگ مبدل می گردد؛

چشم انداز انتخابات گشوده می شود!

افغانان صاحب یک دولت انتخابی می شوند!

دولت انتخابی اگر نتواند به تکیه گاه و به ممثل ارادهٔ مردم برای ختم جنگ و آوردن صلح مبدل شود؛ فرو می پاشد! مردم دیگر منتظر هیچکس و هیچ چیز نمی شوند!

نه منتظر طالب! نه منتظر غالب!

نه منتظر مالم اتا! نه منتظر ظالم خطا!

نه منتظر تورن! نه منتظر چورن!

هر کسی که آتش بازی می کند؛ یا بی ثباتی بازی می کند، دلش!

ما یک اجماع ملی داریم! و اجماع ملی ما این است که «صلح امر مردم است!» و مردم، با دست و شست خود، صلح را می آورند! مردم در لویه جرگه مشورتی، نشان دادند که صلح را می خواهند! و صلح را می آورند!

مشکلات زیاد، و کار زیاد در پیش است؛ اما راه باز شده است!

• دو روز بعد اول جوزا است!

در اول جوزا کابل به آرامی بپا می شود! بنظر می رسد که هیچ چیزی غیر عادی رخ نخواهد داد!

رادیوی افغانستان می نوازد که «دا زمونږ زیبا وطن!»

و اول تر از همه استاد اولمیر، از پشت ویرانه های ۴۰ سال جنگ، می پرسد که در این وطن زیبا، این همه مرگ

و میر از برای چی بود؟ از برای کی بود؟

چرا ما هموطن خود را میران می کنیم؟ چرا ما وطن خود را بیران می کنیم؟

کابل مقدس به صبح صلح سلام می کند!

شب، و خواب های وحشتناک شب، را لیلان می کند!

• شاید صلح برای ما افغانان یک رویا می ماند؟

بعید نیست!

اما کی گفت که «خیال پلو» یک گفت افغانی نبوده است!؟



### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحهٔ مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (گفتار نهم)  
Rogh\_h\_ba\_watan\_tshikoona\_bengarem\_۱۹.pdf